



پیامدهای جهانی شدن (سیاره ای شدن) و تاثیر آن بر نظام آموزشی ایران

دکتر عباس شکاری^۱، لیلا دهقان کاشانی^۲

چکیده :

جهانی شدن روندی برای شناخت و تبادل تجربیات مشترک بشری در حوزه های مختلف زندگی انسان میان تمدن های گوناگون است و این روند به مدد فن آوری و توسعه ارتباطات روبه گسترش است. این پدیده طی دو دهه اخیر یکی از مباحث عمده بوده است که با ابعاد مختلف خود (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) بر تمامی عرصه ها از جمله تعلیم و تربیت و نظام آموزشی اثرات مثبت و منفی فراوانی به جای می گذارد. بنا بر این دیدگاه جهانی شدن فرصتها و چالشهایی را برای نظام آموزشی پدید می آورد، که با بهره گیری از این فرصتها و با شناخت بهتر چالشها می توان به حفظ میراثهای فرهنگی و اعتلای نظام تعلیم و تربیت ایران در راستای جهانی شدن پرداخت. در این مقاله به منظور بررسی پیامدهای جهانی شدن، تعریف مختصر جهانی شدن، مفهوم و ابعاد آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه ها: جهانی شدن، آموزش و پرورش و جهانی شدن، تعلیم و تربیت، فرایند یاددهی-یادگیری

مقدمه

از عمر رسمی جهانی شدن که هم اکنون دوران طفولیت خود را پشت سر گذاشته، دیرزمانی نمی گذرد. اما، قدمت غیر رسمی آن با آغاز زندگی آدم و حوا همراه بوده است، زیرا اولین فلسفه سنگ بنای خانواده، رهایی از من و ما شدن، یعنی انسجام و یکپارچگی بود که بعدها با تفاوت های جزئی در میان طوایف گوناگون، گروهها و جماعات بشری را بنیان نهاد. فلسفه هایی که موجب ابداع نظریه های آگاهی اجتماعی و تکمیل آنها به مرور زمان در زمینه های پویایی گروهها، وفاق همگانی و ساختارگرایی شده است، آموزش و پرورش را برپایه اجتماعی شدن بنیان نهاد. امروزه جهانی شدن، یکپارچگی، تعمیم گرایی، سیستم باز، نظام آزاد جهانی، بین المللی شدن، نظم نوجوانی با واژه های متفاوت اما به مفهوم یکسان در فرهنگ های مکتوب و مدون، مدرج شده و مورد بررسی و نقد و مباحثه نظریه سازان و نظریه پردازان جهانی قرار می گیرند. در نظام آموزش کشور نیز مفاهیمی نظیر یادگیری مداوم، ارتباط آموزش و پرورش با نهادهای حرفه ای، ارائه به هنگام آموزش و پرورش و ایجاد برابری آموزشی

1 - abbasshekari45@gmail.com - دانشگاه کاشان، گروه علوم تربیتی، کاشان، ایران

2 - lailadehghankashani@gmail.com - دانشگاه کاشان، گروه علوم تربیتی، کاشان، ایران



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



صرف نظر از نژاد، جنس، فرهنگ و قومیت به طور جدی مطرح است. (بابا زاده، ۱۳۸۱)

فناوری اطلاعات، چشم اندازهایی را برای جهانیان به ارمغان آورده است که بر زندگی انسان تأثیر گذاشته است، به گونه‌ای که بیشتر فراگیرندگان را به سمت رایانه‌ها سوق داده است. کسب آگاهی، تحصیل دانش و اتصال اطلاعات، مهارت آموزی و تجدیدنظر در نگرشها را با استفاده از سیستمهای اطلاعاتی معاصر تسهیل و تسریع کرده است. نفوذ رایانه‌ها در زندگی بشر، جهانی شدن آموزش، تبدیل اقتصاد سنتی به اقتصاد اطلاعاتی و دانش محور را در آینده بسیار نزدیکی نوید می‌دهد، مبادله اطلاعات در فرایند مدیریت سازمانها به ویژه، مدیریت آموزشی مرزهای جغرافیایی را از بین برده و جهان پهناور را با آن همه تضاد و شگفتی به هم نزدیک کرده است. نظامهای اطلاعاتی از لحاظ تولید خدمات و کالا، بازاریابی و توزیع، تغییرات شگرفی را در گیتی به وجود آورده‌اند. بدون شک دانش و اطلاعات که از طریق ارائه محتوا و راهبردهای آموزش رسمی گسترش می‌یابد، در تولید و تربیت نیروی انسانی و توسعه پایدار موثر است. رایانه‌ها با فراهم کردن فرصت لازم برای تمرین و کسب دانش بشری و پرورش دانش آموزان به آموزش مدرسه‌ای یاری می‌دهند.

سرعت چرخه نظام اطلاعاتی در طول دوره‌های زندگی بشر هرگز به این اندازه نبوده است. در این قرن، اطلاعات و ارتباطات به حدی گسترش یافته که علاوه بر وجود چشم‌اندازهایی نظیر آموزش مشاغل با چالشهایی مانند ایجاد مدارس مجازی و کاهش نیاز به نیروی انسانی را در پی داشته است. علم و فناوری در عصر فراصنعتی با سه ویژگی تغییرپذیری، ریزسازی و سرعت از دوره صنعتی متمایز میشود (لاودن، ۱۳۸۰).

از جمله پژوهشهای صورت گرفته در این زمینه می‌توان به «جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت» (سجادی، ۱۳۸۲) «ابعاد جهانی‌سازی آموزش عالی» (اخوان صراف، ۱۳۸۷) «جهانی شدن، انقلاب اطلاعاتی - و تعلیم و تربیت» (باقری، ۱۳۸۳) «جهانی شدن و تدوین برنامه درسی ملی ایران» (عصاره، ۱۳۹۱) «جهانی شدن و تعلیم و تربیت» (خسروی، ابراهیمی، ۱۳۸۳) اشاره کرد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی پدیده جهانی شدن و تاثیر آن بر تعلیم و تربیت است. مساله این است که جهانی شدن از مباحث عمده تربیتی عصر حاضر بوده و تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری را دستخوش تغییر قرار می‌دهد و بالطبع بر روی نظام آموزشی نیز بی‌تاثیر نیست لذا لازم است که این پدیده مورد توجه قرار گیرد و پیامدهای ناشی از آن بررسی و راهکارهای لازم اندیشیده شود. بنابراین سوال اساسی که مطرح می‌شود این است که :

۱) جهانی شدن و پیامدهای ناشی از آن بر تعلیم و تربیت چیست؟

۲) ابعاد و چالشهای جهانی شدن (سیاره ای شدن) بر نظام آموزشی ایران کدام است؟

۳) دیدگاه موافقان و مخالفان با پدیده جهانی شدن چیست؟



روش پژوهش

با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. بنابراین نخست به شرح تعریف، ماهیت، ابعاد جهانی شدن و پیامدهای آن بر تعلیم و تربیت پرداخته می‌شود، سپس دیدگاه موافقان و مخالفان و راهکارهای برخورد با این پدیده مورد بررسی، تحلیل و نقد قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

جهانی‌شدن به‌عنوان یک مفهوم در ادبیات مربوط به علوم اجتماعی، دارای تعاریف متفاوت و متعددی بوده و به‌دلیل اهمیت و گستردگی حوزه مفاهیم آن و با توجه به برداشت، تفسیر و تعبیرهای هر پژوهش‌گر از پدیده‌های اجتماعی و تأثیرات محیطی، تفاسیر و تعاریف مختلفی دارد. اما به‌طور کلی در نظریاتی که چنین مفهومی را به انحاء مختلف مطرح می‌کنند، جهانی‌شدن حرکت به‌سوی یک جامعه جهانی واحد است که در آن، قید و بندهایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود و گویا عمدتاً یک جامعه و یک فرهنگ و تمدن در سراسر سیاره زمینی مستقر خواهد شد و به‌تعبیر دیگر، جهان فشرده شکل می‌گیرد. (بیات، ۱۳۸۶)

۱-۱- تعریف جهانی شدن

رابرتسون، مفهوم جهانی‌شدن را این‌طور تشریح کرده است: «جهانی‌شدن یا سیاره‌ای‌شدن جهان، مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان، هم به تشدید آگاهی درباره جهان به‌عنوان یک کل، هم به وابستگی متقابل و واقعی جهان و هم به آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره می‌کند.» از نظر رابرتسون، فرآیندها و کنش‌هایی که اکنون مفهوم جهانی‌شدن را برای آن به کار می‌بریم، قرن‌ها است که -البته با گسست‌هایی- جریان دارد. با این وجود، تمرکز بر جهانی شدن، موضوع جدیدی است. (شکاری، ۱۳۸۶)

مک‌گرو، می‌گوید: "جهانی‌شدن، عبارت است از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است و نیز فرآیندی که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان، می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های دیگر کره زمین داشته باشد." (کومسا، ۱۳۸۷: ۱۸۳)

در علم معانی بیان جهانی شدن فرایند کوتاه کردن فاصله‌ها، تغییر در تجارب زمانی و ارائه امور با ماهیت جهانی است (RIZVI, 2000).



۱-۲- ماهیت جهانی شدن

"رولاند رابرتسون" در تعریف جهانی شدن و سیاره‌ای شدن جهان، آن را مفهومی می‌داند که به تراکم جهان، تشدید آگاهی درباره جهان به مثابه یک کل (یعنی مردم به این درک برسند که جهان را چونان مکانی واحد بدانند)، وابستگی متقابل در قلمرو جهانی و آگاهی از یک پارچگی جهانی در قرن بیستم اشاره دارد؛ که در چنین جامعه‌ای برقراری ارتباط میان افرادی که به فاصله خیلی دور از هم زندگی می‌کنند، به همان راحتی میان همسایه‌ها خواهد بود. (افروغ، ۱۳۸۷)

علی‌رغم همه‌ی اختلاف تعاریف، ویژگی "افزایش ارتباطات جوامع با یکدیگر و افزایش امکان اثرگذاری بر تصمیمات دیگر جوامع" در معرفی جهانی شدن، انکارناپذیر است. از این رو همراه با جهانی شدن درجه‌ی تأثیرپذیری اقتصاد داخلی، فرهنگ بومی و حاکمیت ملی بیشتر از عوامل خارجی است. البته جوامع می‌توانند به تناسب میزان حضور فعال در صحنه جهانی، اثرگذاری بیش‌تری نیز پیدا کنند؛ که کاملاً به نحوه موضع‌گیری، قدرت، مهارت و فعالیت آن‌ها بستگی دارد. (نهادن‌دیان، ۱۳۸۳)

تعریف آنتونی گیدنز از جهانی شدن به‌خوبی روشن‌گر نقش و تأثیر عوامل خارجی در امور داخلی کشورها در عصر جهانی شدن است. وی در تعریف جهانی شدن می‌گوید: «تقویت مناسبات اجتماعی جهانی که محل‌های دور از هم را چنان به هم ربط می‌دهد، که هر واقعه، تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد و برعکس» (گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷)

کامل‌ترین مرحله جهانی شدن را می‌توان بازسازی کامل روابط و کنش‌های اجتماعی در گستره‌ی جهانی و پیوند فرد و جامعه در چنین گستره‌ای دانست. در چنین شرایطی هیچ حوزه محلی و حتی خصوصی و شخصی نمی‌تواند استقلال و انزوای خود را حفظ کند و حتی دورافتاده‌ترین مکان‌ها نیز به‌نوعی تحت تأثیر تحولات محیط جهانی خود قرار می‌گیرند. (گل‌محمدی، ۱۳۸۲)

ابعاد جهانی شدن

اگرچه بنابر برخی تفسیرها، جهانی شدن عمدتاً دارای ماهیت اقتصادی است اما نمی‌توان از سایر مؤلفه‌ها و ابعاد جهانی شدن چشم‌پوشید؛ چراکه جهانی شدن پروژه‌عامی است که ابعاد مختلف حیات انسانی را دربر می‌گیرد و با نمودهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همراه است. (بیات، ۱۳۸۶) این مؤلفه‌ها و ابعاد را می‌توان اینگونه برشمرد:



بعد اقتصادی

جهانی شدن اقتصاد، توأم با خصوصی سازی، آزادسازی تجارت، مقررات زدایی در تجارت، کاهش مالیات‌ها، به حداقل رساندن نظارت دولت، رشد سریع شرکت‌های چندملیتی، گسترش مراکز مالی جهانی، مهاجرت کارگران، تحوّل در حمل و نقل و شبکه‌ی ارتباطات و وابستگی ارزش اقتصاد به تجارت اطلاعات و نه تجارت مواد، می‌باشد. (حجازی ۱۳۸۲،

بعد سیاسی

وجه سیاسی جهانی شدن، کاهش نقش دولت-ملت‌ها و افزایش نقش و اقتدار شرکت‌ها و سازمان‌های فراملی است. در سیاست جهانی، دولت‌های ملی به تدریج کنترل، مدیریت و اختیارات خود را از دست داده و نظارت آن‌ها بر نیروهای داخلی کم‌رنگ می‌شود. دولت‌ها از طریق پیوستن ارادی به شبکه‌ها و سازمان‌های فراملی و به‌ویژه سازمان تجارت جهانی، مبادرت به تضعیف درونی خود کرده و تسلط کشورهای مرکزی بر خود را افزایش می‌دهند. (افروغ، ۱۳۸۷)

بعد اجتماعی

گسترش سریع مهاجرت‌ها و صنعت توریسم، جهانی شدن الگوهای زندگی و مسایل مشترک جهانی، همگی از نمادهای جهانی شدن اجتماعی محسوب می‌شوند. (بیات، ۱۳۸۶)

بعد فرهنگی

جهانی شدن فرهنگی در برگزیده‌ی فرایندها و عواملی است که هرگونه محدودیت و بستر فرهنگی زندگی اجتماعی را تعدیل می‌کند یا از میان برمی‌دارد. به بیان دیگر، شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاصّ در عرصه‌ی جهانی است. این فرایند، موجی از هم‌گونی فرهنگی را در جهان پدید آورده و همه خاصّ‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد. جهانی سازی فرهنگی یک فرهنگ مصرف جهانی شده را با رسانه‌های جهانی در دنیا به گردش درمی‌آورد؛ که امروزه آن فرهنگ، با توجه به برتری علمی، فنی و تکنولوژیکی و رسانه‌ای غرب، فرهنگ غربی خواهد بود و از این طریق، شاخص‌ها و ارزش‌های تجدد غربی به تمامی دنیا صادر می‌شود. (گل محمدی، ۱۳۸۶)

جهانی شدن با انتخاب رویه تکثرگرایی در حوزه فرهنگ، دین و سنت، به تضعیف موقعیت این مقولات کمک نموده است. اما دین و تربیت دینی در عرصه جهانی شدن، به فرصت‌هایی هم نایل شدند. برخی از عمده‌ترین چالش‌های تربیت دینی که ناشی از جهانی شدن است عبارتند از:



- ۱- هجوم ضدارزش‌های فرهنگ غرب و بی‌هویت کردن جوامع پذیرا؛
- ۲- ترویج پلورالیسم فرهنگی و دینی؛
- ۳- ترویج افکار لیبرالیست و لذت‌طلبی و کام‌جویی؛
- ۴- علم‌گرایی و پرستش علم؛
- ۵- نسبی‌گرایی و شک و تردید در اصول؛
- ۶- دین‌گریزی و انزجار از دین؛
- ۷- سکولاریزاسیون و بی‌ربط دانستن دین و دنیا؛
- ۸- کم‌رنگ کردن تعلیمات و حیانی؛

در این ارتباط و برای خنثی کردن و یا کم‌رنگ کردن تأثیر پدیده جهانی شدن، باید دو کار را دنبال کرد:

- ۱- مواضع مختلف را نیز شناسایی کرد و به تحلیل اوضاع پرداخت. به طور مشخص سه نوع موضع وجود دارد. مقاومت و مخالفت؛ تسلیم و انفعال؛ تعامل سازنده و نقادانه با پدیده جهانی شدن؛ یعنی جذب عناصر مثبت و نقد عناصر منفی.
- ۲- در تأیید موضع سوم و عمل بر اساس آن، به خلاقیت و ابتکاراتی نیز دست زد تا شرایط اجتماعی موجود کمترین تأثیر را بر تربیت دینی و نقش دین در الگو دهی به جامعه داشته باشد. از جمله:
 - ۱- ابتکار در سطح فراملی؛ پدیده جهانی شدن را به منزله هدفدار و سوژه محور در نظر گرفت و در پی رهبری و مدیریت و هدایت هدفمند این پروژه جهانی بود.
 - ۲- ابتکار در سطح ملی؛ باید جهانی شدن را به مثابه فرایندی طبیعی در نظر گرفت. از این رو، برنامه‌های تربیتی خاصی را برای هدایت جامعه طراحی کرد.
 - ۳- ابتکارات در سطح فردی؛ تقویت معیارهای ارزشی درونی و تأکید بر قید و بندهای درونی برای فرار از فشار ناشی از تربیت متأثر از فرهنگ جهانی شدن. (سلیمانی بشلی، ۱۳۸۹)

تأثیر ابعاد جهانی شدن بر تعلیم و تربیت

جهانی شدن در ابعاد سه گانه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بعد اقتصادی، گسترش دیدگاه‌های نئولیبرالیسمی خصوصی‌سازی مدارس، کاهش هزینه‌های عمومی برای تجهیز مدارس، باعث عدم تمرکز در نظام آموزشی می‌شود و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در بعد سیاسی، با کم‌رنگ شدن نقش حکومت‌های ملی - محلی و ایجاد حکومت جهانی، تناسب میان اهداف، محتوا و روش‌های تربیتی با نیازهای جامعه ملی - محلی کاهش می‌یابد و آموزش‌ها شکل جهانی یافته و



تربیت شهروند جهانی در اولویت برنامه های نظام تعلیم و تربیت قرار خواهد گرفت . علاوه بر این ، شناخت سایر فرهنگ ها و زبان ها نیز ضرورت می یابد .

بعد فرهنگی ، باعث نفوذ ارزش های فرهنگ های سایر جوامع در جامعه می شود . رشد پدیده مهاجرت باعث ایجاد کلاس های چند فرهنگی و اهمیت یافتن یادگیری برای با هم زیستن و الزامات خاص آن که شامل یادگیری شناخت خویشتن ، قائل شدن احترام برای دیگران و آموختن حس مسئولیت و همکاری با دیگران است ، می شود . (قاهری ، ۱۳۸۹)

جهانی شدن و ضرورت تحول در آموزش و پرورش

آموزش و پرورش جریانی منظم و مستمر است که هدف آن کمک به رشد همه جانبه پرورش یابندگان در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه است و این مقوله از طریق آموزش ایجاد می شود . امروزه نفوذ فن آوری های جدید اطلاعاتی روابط ساده معلمی و شاگردی را دگرگون ساخته است . به این ترتیب الگوهای سنتی یادگیری متحول شده اند و کاربران با حجم گسترده ای از اطلاعات و دانش مواجه هستند .

در حال حاضر بسیاری از کشورهای پیشرو در زمینه ارتباط از راه دور ، در حال ایجاد و راه اندازی مدارس ، دانشگاهها و کلاس های مجازی یا توسعه نظامهای سنتی خود هستند . آنچه مسلم است آموزشهای مجازی فرصت مناسبی برای ظهور و بروز استعدادها ، خلاقیت و نوآوری ها خواهند بود . (صبوری خسروشاهی ، ۱۳۹۲)

از لحاظ آموزشی، اکثر کشورهای در حال توسعه با چالشهای عمدهای روبهرو شده و ضرورت تغییر در ساختار آموزشی آنها بیش از پیش آشکار شده است . چالش هایی نظیر ضرورت آموزش مداوم و ایجاد جامعه ای در حال یادگیری ، استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در تعلیم و تربیت و ضرورت ایجاد مهارت های جدید در دانش آموزان برای زندگی در قرن بیست و یکم (مهارت هایی چون انعطاف پذیری، آمادگی برای کار گروهی ، خلاقیت، کارآفرینی، سعه صدر، سواد فنی و الکترونیک و توانایی تجزیه و تحلیل نقادانه) از این جمله هستند. (قاهری، ۱۳۸۹)

البته تغییر و اصلاح آموزش و پرورش منطبق با منطق جهانی شدن نیازمند اقداماتی است که خود دال بر تاثیر پذیری آموزش و پرورش از جهانی شدن است، از جمله: اصلاح هدفهای کلی و هدفهای عینی در برنامه درسی، بسط محتوای آموزش جهانی به آن اندازه که در برنامه درسی منعکس شود، تقاضا برای برنامه درسی آموزش جهانی برای گروههای درون مدرسه ای و گروههای اجتماع بیرونی (Hendrix.1998: 28) ، حرکت به سوی یادگیری مادام العمر برای همه، حرکت به سوی آموزش از راه دور و یادگیری پراکنده و حرکت به سوی نهادینه کردن استفاده از شبکه های ارتباطی در آموزش و پرورش . (Brunne .2000 :145)



دیدگاه موافقین جهانی شدن در آموزش و پرورش

این گروه معتقدند که جهانی شدن باعث نزدیکی بیشتر کشورها از نظر مبادلات اقتصادی و فرهنگی می گردد و در نتیجه موجب همکاری و رقابت جهانی در زمینه های علمی، فرهنگی، ورزشی و هنری نیز خواهد شد. در دیدگاه جهانی، آموزش و پرورش به عنوان وسیله ای برای شرکت در فعالیت های جهانی است. افراد باید آموزش ببینند تا بتوانند در عرصه های بین المللی موفق باشند و این اهداف، امری فراتر از موفقیت اقتصادی قلمداد می گردد. از نظر این گروه، جهانی شدن می تواند منجر به نوعی ترکیب فرهنگ ها گردد که در درون مرزهای ملی صورت می پذیرد. توانایی زندگی کردن، فهمیدن و ارزش گذاردن بر تفاوت های فرهنگی یکی از ارزشمندترین درس های آموزش و پرورش است که در دیدگاه جهانی می توان آن را برآورده ساخت.

یکی دیگر از اشکال جهانی شدن می تواند به صورت ملحق شدن به یک سیستم آموزشی بین المللی باشد که در آن مدارس کشورهای مختلف دنیا می توانند از یک برنامه آموزشی هماهنگ برخوردار باشند. مانند مؤسسه IBO که بیش از هزار مدرسه ابتدایی و راهنمایی را در سراسر دنیا پوشش می دهد. مجموعه ای از این مدارس مشترکاً معتقدند که تبدیل برنامه های آموزشی ملی به برنامه های بین المللی باعث غنی سازی برنامه های آموزشی کشورشان شده است. با این وجود بسیاری از کشورها چندان تمایلی به وارد ساختن آموزش و پرورش خود در حیطه جهانی ندارند؛ چرا که آن را ابزاری برای اعمال سیاست های ملی و قومی خود نمی دانند. (خسروشاهی و دیگران، ۱۳۹۲)

از نگاه موافقان، جهانی شدن موجب برتری یافتن آداب و سنن می شود، چرا که در این عصر در نتیجه داد و ستد، گفتگوها و مناظراتی که وجود دارد آداب و سنتها از حالت اقلیمی و خصوصی به وضعیت جهانی بدل شده که موجب پویایی و بالندگی آن است و ارزش های محلی امکان تجلی بیشتری در کنار دیگر ارزشها و آداب می یابند. اگر مخالفان جهانی شدن دنیای تیره و تاری از این عصر ترسیم می کنند که در آن فقر، جنایات سازمان یافته، بیکاری و دیگر ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی گسترش می یابد، موافقان، مدینه فاضله را متصور هستند که - در نتیجه جهانی شدن پدید می آید. عصری که موجب رهایی کشورهای جهان سوم از نظام های غیردموکراتیک شده و جامعه مدنی بین المللی ایجاد می گردد. (صالحی امیری و دیگران، ۱۳۸۹)

دیدگاه مخالفین جهانی شدن در آموزش و پرورش

این گروه معتقدند: در حال حاضر جهانی شدن سعی در ایجاد علائق مشترک برای کسانی دارد که طرفدار آموزش و پرورش دولتی هستند. افرادی که براین باورند در هر منطقه ای از دنیا که زندگی کنند باید بتوانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند و از امکانات آموزش عمومی بهره گیرند. کسانی که اعتقاد دارند برابری در بهره گیری امکانات



آموزشی تنها در سایه آموزش و پرورش عمومی امکان پذیر است؛ چراکه بودجه آن توسط دولت تأمین شده و برای همه یکسان ارائه می گردد. آموزش و پرورش که دموکراتیک بوده و مخصوص صاحبان پول و سرمایه نباشد. اما طرفداران جهانی شدن، تصویری کنند که با مطرح نمودن نتایجی نظیر یکپارچگی اقتصادی، بی مرز شدن و یگانگی فناوری کشورها و غالب بودن ایدئولوژی نئولیبرال می توانند منشأ علائق مشترک باشند.

طرفداران آموزش عمومی و دولتی اظهار می کنند که از پیدایش دیدگاه جهانی تاکنون الحاق آموزش و پرورش کشورها به ساختار جهانی تنها در قالب طرح های بین المللی امکان پذیر بوده است. طرح هایی که اساساً تجاری-بازرگانی هستند و با هدف برقراری توافقی های بین المللی بازرگانی و سرمایه گذاری طرح ریزی شده اند. این طرح ها، با وجود ماهیت تجاری خود به آموزش و پرورش نیز پرداخته و علاوه بر اینکه در مورد سیاست های آموزشی به طور نامطلوبی تصمیم گیری شده، دارای نقاط مشکوک و شبهه انگیزی نیز می باشد. (صوری خسرو شاهی و دیگران، ۱۳۹۲)

در میان مخالفان جهانی شدن مارکسیست ها، نفومارکسیست ها و بنیادگرایان اسلامی قرار دارند. به اعتقاد مخالفان این فرایند اگر امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه داری باشد، جهانی شدن آخرین مرحله امپریالیسم است. این عده جهانی شدن را ابزار رشد سرمایه داری و ایدئولوژی منعکس کننده اراده سلطه جویی بر جهان تلقی می کنند. به تعبیر آنها جهانی شدن، غربی سازی و ظهور سرمایه سالاری و ترجمان نوینی از استعمار کهن است.

دلیل دیگر مخالفان، نگرانی آنها از نابودی آداب و سنن ملی و بومی حاصل از فرایند است. به نظر این دسته جهان سوم به گونه ای یکسویه تولیدات فرهنگی غرب را دریافت می کند و ارزش های بومی آن در برابر ارزش های جدید قرار گرفته و مغلوب آن می گردد. (صالحی امیری و دیگران، ۱۳۸۹)

جهانی شدن و آموزش و پرورش (فرصت ها و تهدیدها)

جهانی شدن در همه ابعاد آموزش و پرورش را دستخوش تغییر و تحول می نماید، از این رو شناسایی ویژگیها و آثار این فرایند بر آموزش و پرورش یکی از وظایف اصلی هر نظام تعلیم و تربیت می باشد. در این میان می توان به پیامدهای اقتصادی جهانی شدن برای نظام آموزش و پرورش از جمله توجه بیشتر بر آموزش های فنی و حرفه ای و استفاده بیشتر از تکنولوژی اطلاعات، و پیامدهای بعد سیاسی جهانی شدن از جمله کم رنگ شدن نظارت و تسلط دولت و حکومت بر نظام تعلیم و تربیت و پیامدهای بعد فرهنگی جهانی شدن از جمله ترویج فرهنگ غرب و کم رنگ شدن ویژگیهای بومی و به مخاطره افتادن هویت ملی و ارزشهای دینی در برنامه های درسی مدارس اشاره کرد. از طرفی می توان به برقراری ارتباطات فرهنگی بیشتر و شناخت سایر فرهنگها به عنوان فرصتهای پیش روی تعلیم و تربیت اشاره کرد. بنابراین دیدگاه جهانی شدن فرصتها و چالشهایی را برای نظام تعلیم و تربیت پدید می آورد. که با بهره گیری از این فرصتها و با شناخت بهتر چالشها می توان به حفظ میراثهای



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



فرهنگی و اعتلای نظام تعلیم و تربیت در راستای جهانی شدن پرداخت .

فرصتهایی که جهانی شدن برای تعلیم و تربیت ایران بوجود می آورد عبارتند از :

۱- استفاده از جدیدترین اطلاعات در آموزش و پرورش ایران

دانش‌آموزان قرن بیست و یکم عضو جامعه سازمان یافته‌ای هستند که نیازمند آموزش مهارت‌های سازماندهی گروه‌های رسمی و غیر رسمی در راستای رشد درک فناوری و بهره‌گیری از آن در تنظیم خط مشی‌ها و سیاست‌های آموزشی می باشند. شهروندان آتیه نیازمندند که برنامه زندگی خودشان را با خط مشی‌های نوگرایانه از یک سو و رعایت اصول ارتقای کیفیت یادگیری، کمک به ایجاد برابری آموزشی و اعتلای اثر بخشی از سوی دیگر هماهنگ نمایند. شهروندانی که توانایی تهیه لوازم مربوط به اینترنت را در اختیار دارند، به راحتی می‌توانند اطلاعات روزآمد را از آن سوی جهان دریافت دارند و در همان حال اطلاعاتی نو تولید کرده و در اختیار مخاطبان خود قرار دهند. رسانه‌های الکترونیک جدید مرزها را شکسته است اطلاع‌رسانی به شیوه جدید سبب شکستن انحصار رسانه‌های داخلی شده و افراد را قادر می‌سازد منبع اطلاعاتی خویش را تعیین کنند. و با افزایش سرعت اطلاع رسانی و استفاده بیشتر از تکنولوژی پیشرفته ارتباطات باعث ایجاد فرصتهای بیشتر و مناسب تر جهت رسیدن آموزش و پرورش ایران به اهداف خود می باشد. (کرمی پور، ۱۳۸۱: ۵۲).

۲- اهمیت یافتن اصل اخلاقی همکاری و تفاهم به عنوان هدف اصلی در تعلیم و تربیت

از آنجا که در روند جهانی شدن ارتباطات گسترش می یابد و افراد از سراسر دنیا با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و بیشتر در معرض شناخت و ارتباط با سایر افراد جهان قرار می گیرند لذا تفاهمات بین المللی ضرورت می یابد و یادگیری برای با هم زیستن به عنوان یک هدف مهم در آموزش و پرورش در می آید. یادگیری برای با هم زیستن مستلزم یادگیری چگونگی ابراز خویشتن و برقراری ارتباط به شکلی موثر با دیگران است ، و نیز به معنای آموختن حس مسئولیت و سهمیم کردن دیگران و مستلزم یادگیری همکاری با دیگران است از این رو شناخت سایر فرهنگها و نحوه ارتباط با آنها ضرورت می یابد و می تواند به عنوان فرصتی در دست آموزش و پرورش ایران قرار می گیرد . (عالی ، ۱۳۸۹)

۳- آموزش الکترونیکی

آموزش الکترونیکی، تصویری از تکامل آموزشهای مشارکتی و شخصی در مقایسه با آموزش سنتی است . این نظام آموزشی به دلیل داشتن امتیازات زیاد میتواند ضرورت اجتناب ناپذیر و یک راه حل منطقی برای نظام آموزشی باشد. از جمله نکات مثبت این نوع آموزش می توان به رشد کیفیت آموزش و پرورش ، کاهش هزینه ها و امکان



پذیر شدن آموزشها و ایجاد مدارس مجازی اشاره کرد که همه این موارد باعث افزایش راندمانهای آموزشی خواهد شد. آموزش و پرورش جمهوری اسلامی نیز می تواند از این امکان جدید آموزشی به عنوان یک فرصت مناسب برای بهبود کیفیت خود بهره گیرد. شکستن مرزهای زمانی و مکانی از خصایص آموزشهای الکترونیکی است که خود فوایدی را نصیب نظام آموزشی ما می نماید، از جمله گسترش فعالیتهای آموزشی همزمان در کشور، انتقال سریع اطلاعات در تمامی مدارس به صورت online، حذف روشهای کم بهره آموزشی (روشهای سنتی معلم محور). (Cogburn, 2003: 123)

۴- شکافت حلقه های بسته دانش

شاید بتوان یکی از ثمرات مفید و فرصت ساز جهانی شدن برای تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی را شکافتن مرزها و حلقه های بسته دانش و اصلاح زوایای معرفت شناختی آن دانست. یکی از محدودیتهایی که دانش آموزان در نظامهای آموزشی دنیا از جمله ایران با آن مواجه هستند، عرضه الگوریتمی و هندسی دانش و اطلاعات به آنهاست، آنگونه که سرشت نظام آموزشی یک کشور اقتضا می کند. البته اگر چه این یک حقیقت مسلم و حق مفروض برای نظامهای آموزشی هر کشوری است که دانش آموزان را مطابق آرمانهای خود تربیت نماید، اما این به معنی هندسی کردن و محدود کردن نظام عرضه اطلاعات نیست. ورود به دنیای فراخ معرفتی از جمله نیازهای طالبان معرفت در عصر کنونی است که خود پیشرفتهای عظیمی را در پی خواهد داشت و این همان فرصتی است که جهانی شدن در اختیار نظام آموزشی ما می گذارد. به عبارت دیگر جهانی شدن نظام عرضه هندسی و الگوریتمی اطلاعات (عرضه اطلاعات در مسیرهای از قبل مشخص، ثابت و تعریف شده) را به نظام عرضه دیالکتیکی اطلاعات تبدیل می کند. (عالی، ۱۳۸۹)

۵- آموزش زیست محیطی

امروزه بحران محیط زیست یک مسئله جهانی تلقی شده و آنچه به عنوان عوامل تهدیدکننده محیط زیست انسان مطرح می شود بسیارند از جمله: افزایش آلودگیها، کاهش منابع طبیعی نظیر جنگلها، افزایش جمعیت، نابودی لایه اوزن و... معهدا این مسئله که نسبت آموزش و پرورش با بحثهای زیست محیطی چیست و آموزش محیط زیست از کجا و چه زمانی باید آغاز شود؟ جایگاه این آموزشها در مدرسه و در کلاس درس کجاست؟ مشکلات محیط زیست و خطراتی که انسان برای محیط زیست به وجود آورده کدامند؟ و چگونه می توان از افزایش آنها جلوگیری کرد؟ موضوعهایی است که نیاز به آموزش را بیشتر ساخته و مسؤولیتهای بیشتری را برای نظام آموزش و پرورش ایران به همراه آورده است. کشورهای پیشرفته با برنامه ریزی به هنگام سعی کرده اند این آموزش-



ها را به خانواده، مدرسه و کلاس درس بیاورند. (سرکارانی، ۱۳۸۲: ۳۷۹)

در ایران هم باید این مباحث به شکل جدیدی در برنامه‌های آموزشی و درسی و حتی آموزش خانواده وارد شود و این فرصت‌های یادگیری در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد. فرصت‌های یادگیری که دانش‌آموزان را به‌طور عینی با این مسائل آشنا و جامعه را متوجه این مباحث سازد. به‌طوری که یک مادر هم بتواند این آموزش‌ها را به فرزندانش منتقل کند.

۶- حقوق شهروندی، مردم‌سالاری و مشارکت اجتماعی

موضوعی که امروزه در سطح بین‌المللی خیلی اهمیت دارد، دموکراسی، مدنیت و نقش آموزش و پرورش در آن و نقش و حقوق انسان در جامعه و مدرسه است. به‌عبارت دیگر نسبت انسان با جامعه، جامعه با مدرسه و بالاتر از آن نسبت جوامع با یکدیگر و نقشی است که آموزش و پرورش در این میان دارد.

بحث دیگری که در این حوزه مطرح است بحث مشارکت انسان در جامعه است. مشارکت در اداره جامعه، فعالیت‌های مدنی و مطالبه حقوق شهروندی نیاز به شناخت لازم، مهارت‌های خاص و نگرش‌های سازنده دارد. مشارکت آموختنی است و باید آن را از همان کلاس درس و خانواده بیاموزیم و تمرین کنیم. آموزش و پرورش نقش ویژه‌ای در آموزش و تمرین این مشارکت در میان کودکان دارد. به علاوه مشارکت تنها در سطح خانواده، منطقه یا محل جغرافیایی خاصی که انسان در آن متولد شده و زندگی می‌کند نیست، بلکه هنگامی که این مهارت‌ها در انسان‌ها شکل می‌گیرند از سطح خانواده، محل زادگاه، منطقه و... خارج شده و به سطح ملی و بین‌المللی ارتقا می‌یابد. در واقع این همان چیزی است که دنیای امروز به آن نیازمند است.

فناوری نوین به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات و نسبت آن با آموزش و پرورش موضوع دیگری است که آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم با آن روبه‌رو است و آنچه در اینجا به‌عنوان یک بحث نو مطرح است، بهره‌گیری از فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات در فرایند یاددهی-یادگیری است.

استفاده از فناوری ارتباطات در آموزش و پرورش بدین معنی است که ما باید این فناوری را به کلاس درس آورده و در فرایند یادگیری از آن بهره‌گیریم تا دانش‌آموزان نسبت به این فناوری نگرش سازنده‌ای پیدا کنند. (سرکارانی،

۱۳۸۲: ۳۸۲)

تهدیدها

۱- ورود رایانه به آموزش و پرورش

خطراتی که ورود رایانه به تعلیم و تربیت دارد عبارتند از: منزوی شدن دانش‌آموزان از جامعه، خدشه‌دار شدن



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



رابطه معلم و دانش آموز، در معرض خطر قرار گرفتن آموزش ارزش‌های انسانی و بیش از حد قالبی شدن تعلیم و تربیت. (صبوری خسرو شاهی، ۱۳۸۹)

۲- اینترنت

امروزه آسان‌ترین کار برای دانش‌آموزان و دانشجویانی که با اینترنت سرو کار دارند، کاربرد نابه‌جای آن است. آنها از موضوع مورد تحقیق خود واژه‌هایی را انتخاب و با استفاده از موتورهای جست‌وجوگر مطالب را پیدا، و با قرار دادن مطالب از منابع مختلف کنار هم، چیزی به‌عنوان تحقیق ارائه می‌دهند. شبکه اینترنت، تحقیق را بسیار ساده‌تر از آنچه که هست، نشان می‌دهد. چون نتایج بی‌شماری را ارائه می‌کند و نیز منابع فراوان، تصاویر و خلاصه مطالب را به سهولت و سرعت بر روی صفحه نمایشگر پدیدار می‌کند. (صبوری خسرو شاهی، ۱۳۸۹)

۳- کاهش ارزش زمان گذشته و افزایش ارزش زمان حال

از جمله اصول مهم در نظام آموزشی سنتی جامعه ایران، ارزش فوق‌العاده‌ای است که «زمان گذشته» دارا می‌باشد. همواره در گفتمان‌ها، از این ارزش به‌عنوان «تجربه» یاد می‌شود و پیوسته افراد بزرگتر را درس‌آموز و صاحبان تجربه دانسته و سعی بر این است که با استفاده از تجربه ایشان، بر دانش خود بیفزایند. این تلقی، اصول نظری و عملی خاصی را در نظام آموزشی حاکم ساخته که معمولاً به‌عنوان «ادب تحصیل» از آن یاد می‌شود.

این در حالی است که تحولات رخ داده در عرصه فناوری و روش‌های نوین آموزشی، به شدت این اصل را دستخوش تحول ساخته است. امروزه یک جوان با استفاده از امکانات آموزشی و ارتباطی، به حجم بالایی از اطلاعات و دانش دست می‌یابد و این چنین می‌شود که «ارزش زمان تجربه شده» به شدت کاهش می‌یابد و در نتیجه ادب پیشین نیز متحول می‌شود؛ چرا که جوان امروزی خود را نیازمند تجربه نسل قبل ندیده و احساس می‌کند به توانمندی‌ها و دانش‌هایی دست یافته که به‌مراتب بیشتر از دانسته‌های نسل پیشین است. با توجه به سرعت فزاینده رشد امکانات جدید آموزشی و ارتباطاتی در جامعه ما، این تحول در حال وقوع است. پس باید توجه داشت که نسل جدیدی از دانش‌آموزان در راه هستند که تصور و تلقی متفاوتی از زمان گذشته دارند و بنابراین نمی‌توان از آنها توقع ادب تحصیلی پیشین را داشت. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۳۳)

۴- پدیده بی‌سوادی مدرن

افزایش جمعیت خواهان دسترسی به اطلاعات و کسب مدارج عالی علمی، محدودیت‌های مادی و انسانی موجود بر سر راه تأمین این نیازها و تحول فزاینده تغییرات اجتماعی، مانع از آن می‌شود که همچنان روش‌های سنتی آموزش بتوانند برای پاسخ‌گویی به نیازهای جهانی معاصر مورد توجه قرار گیرند. در این خصوص می‌توان به پیدایش پدیده‌های نوینی همچون: دانشگاه‌های مجازی و استفاده از روش‌های الکترونیکی اشاره نمود، که متأسفانه مشارکت و سهم ما در طراحی یا کاربرد این مقولات بسیار پایین است. به‌عنوان مثال در بحث



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



مهم "آموزش الکترونیکی" در برخی از دانشگاه‌ها مانند: تهران، صنعتی شریف و شیراز، اقدامات محدودی صورت پذیرفته است و درصد بسیار ناچیزی از کل نظام آموزشی ما را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که ما با روش‌های سنتی و غیرکارآمد وارد عرصه پیشرفته آموزشی در عصر اطلاعات شده‌ایم و به‌همین دلیل نه توان جذب تمامی علاقمندان دارای استعداد را داریم و نه امکان آموزش مناسب به معدود افرادی که جذب می‌کنیم. نتیجه این مهم، پیدایش پدیده منفی مهاجرت سرمایه‌های علمی می‌باشد که به‌منظور دستیابی به علوم و دانش موردنظرشان راهی کشورهای دیگر می‌شوند. لازم به ذکر است که استمرار این فرایند، در آینده می‌تواند، منجر به بروز اشکال نوین و مدرنی از بی‌سوادی در کشور شود. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۳۶)

۵- پدیده آموزش‌های ناهمسان

رشد فناوری‌های ارتباطاتی، تنوع محصولات و روش‌ها و متون آموزشی منجر به آن شده که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران دچار معضل و پدیده «آموزش‌های ناهمسان» یاد شده که در اثر آن بخشی از دانش‌آموزان در حالی که در درون یک نظام آموزشی رسمی واحد در حال تحصیل می‌باشند، به واسطه دسترسی به امکانات تازه (به ویژه شبکه اینترنت)، به‌صورت غیررسمی از آموزش‌های دیگری نیز بهره‌مند می‌شوند. آموزش که چون جامعه مورد نظر در آن نقشی ندارد، با آموزش رسمی، همسان نمی‌باشد. این ناهمسانی بین این دو فضا، می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به نظام آموزشی ایران وارد نماید. (صبوری خسرو شاهی، ۱۳۸۹)

۶- عدم همراهی ذهنیات با عینیات

آموزش و پرورش رسمی کشور بر محفوظات تکیه دارد و این روند برای هر دانش‌آموزی تا دوازده سال ادامه می‌یابد لذا اغلب آموزش‌هایی که طی این مدت اریه می‌شود، تا مرحله «ذهن» است و به مرحله «عین» نمی‌رسد. عدم «همراهی ذهنیات» با «عینیات» و تماس نیافتن آموزه‌های تئوریک با تجربه‌ها و واقعیت‌ها، نتیجه‌ای جز بیگانه‌سازی دانش‌آموزان با دنیای پرتنوع و فعال بیرونی ندارد. به‌عبارتی آموزش و پرورش رسمی ایران، دانش‌آموزان را با فرایندهای اجتماعی درگیر نمی‌سازد لذا دانش‌آموزان برخاسته از این نوع نظام آموزشی، در رویارویی با موج فرهنگ جهانی دچار انحرافات فکری خواهند شد. (بیات، ۱۳۸۳: ۵۹)

۷- تک فرهنگی شدن و تضعیف فرهنگ‌های بومی :

هویت ملی که منتج از مفهوم هویت می‌باشد آن ویژگی است که ملت‌ها را قابل شناسایی می‌کند. هویت ملی، ابزاری برای تفکیک یک ملت از ملت دیگر با تکیه بر آگاهی مشترک حول مفهوم یا مفاهیم تعریف شده جمعی است و تا زمانی که آگاهی مشترکی برای تفکیک خود از دیگری به وجود نیاید، هویت ملی، امکان‌شکل‌گیری ندارد. در ارتباط با مقوله جهانی شدن مسئله نگران‌کننده، رشد تک فرهنگی است، فرهنگی که از سوی رسانه‌های جهانی غرب و شبکه‌های روابط عمومی آنها تبلیغ می‌شود، فرهنگی که به مردم دیکته می‌کند که چه بپوشند



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



، چه بخورند، چگونه زندگی و چگونه فکر کنند (yang,2002 : 14).

۸- تهدید روندهای مربوط به تربیت دینی در ایران :

در جوامع اسلامی باورهای دینی و نظام ارزشی اسلام بخش مهمی از هویت مسلمانان را شکل می‌دهد. این هویت خواهناخواه در درون مرزهای اعتقادی و دینی تعریف می‌گردد. در اصل اینکه دین و باورهای اسلامی بخشی از هویت جوامع اسلامی را تشکیل می‌دهد اجماع نظر وجود دارد. با پذیرش این نکته هر چند تفسیر پلورالیستی مطلق از اسلام را اتخاذ نماییم. باز هم نوعی تعارض با هویت مطرح در فرایند جهانی شدن و زدودن مرزهای اعتقادی و مذهبی جوامع داریم و احتمالاً چالش‌آورترین بخش جهانی شدن نسبت به اسلام و اندیشه دینی، خود فرهنگ و اندیشه است. این امر ناشی از نقش زیربنایی فرهنگ نسبت به دیگر ساختارهای اجتماعی است و از سوی دیگر بخش مهمی از فرهنگ متشکل از نظام ارزشی، هنجارها و باورهای دینی جامعه است (براند، ۱۳۷۹، ۱۷۷)

بنابراین آموزش و پرورش در جهت استقرار تربیت اسلامی، ابتدا علایق ایدئولوژیک پنهان در مواد آموزشی، روش‌های تدریس، عناصر فضاهای آموزشی و به تعبیری برنامه پنهان را شفاف ساخته و سپس بر مبنای ارزش‌ها و اصول اسلامی آنها را در جهت علایق ایدئولوژیک اسلامی متحول می‌سازد و به تدوین نظام جدیدی از تربیت دینی اقدام می‌نماید. ناگفته پیداست که گرچه این امر مستلزم صرف هزینه‌های فراوان مادی و انسانی برای برنامه‌ریزی و اجراست ولی گریزناپذیر است (باقری، ۱۳۷۹ : ۱۷۷)

۹- تاثیر بر زبان و آموزش آن:

در رسانه‌های الکترونیکی جدید، غالباً زبان انگلیسی سلطه دارد و می‌خواهد خود را به همه (فرهنگ) کشورها از جمله ایران تحمیل کند. نفوذ و گسترش زبان انگلیسی از طریق تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت در جای خود می‌تواند مهم‌ترین تهدید علیه زبانهای ملی و محلی قلمداد شود (p.Hinchliff,2000:123). از آنجا که تمامی کانالهای ارتباطی دنیا و رسانه‌های جهانی تنها به چند زبان خاص تعلق دارد و سایر زبانها برای ارتباط برقرار کردن به افراد مختلف در گوشه و کنار دنیا ملزم به برقراری ارتباط با این زبانها هستند، لذا این مهم می‌تواند تهدیدهای عمده‌ای را برای زبانهای دیگر از جمله زبان فارسی ایجاد نماید به طوریکه به مرور کارایی خود را از دست داده و رو به زوال نهد از این رو برنامه ریزان خصوصا سازمانهای آموزشی باید تلاش بیشتری را وقف این مهم نموده تا زبان فارسی نیز جایگاه خود را بیابد و کاربردهای بیشتری داشته باشد. (عالی، ۱۳۸۹)

۱۰- آموزشها و کلاسهای چند فرهنگی :

اطلاعاتی که در عصر دوم رسانه‌ها تولید و عرضه می‌شود، غالباً مخاطبان فراملی و بین‌المللی دارد. انسان‌های بی‌شماری با "دیگران" و "غریبه‌ها" ارتباط برقرار کرده و تبادل اطلاعات می‌کنند. به همین جهت این شیوه اطلاع‌رسانی فرهنگ



خاصی (جهانی و غربی) را ترویج می‌کند و مخاطبان (مصرف‌کنندگان) اندک‌اندک بیش از آن که خود را متعلق به قوم، فرهنگ و کشور خاصی بدانند، خود را انسانی با تابعیت جهانی و بین‌المللی خواهند نامید. در همین راستا مهاجرت به کشورهای مختلف زیاد شده و این پدیده هر چند باعث شناخت بیشتر سایر فرهنگها و آشنایی بیشتر آنها می‌شود ولی چالشی را به عنوان آموزش، مدارس و کلاسهای چند فرهنگی ایجاد می‌نماید که خود این مطلب می‌تواند مشکلاتی چند برای آموزش و پرورش ایجاد نماید. از جمله نیاز به معلمینی توانا و آشنا با زبان و ویژگیهای فرهنگی سایر کشورها و برنامه ریزیهای جهت کاهش مشکلات ناشی از این سبک آموزش می‌باشد. همچنین این گونه آموزشها کیفیت را در نظام آموزش و پرورش کشورها تحت الشعاع قرار می‌دهد. هویت که یک مقوله فرهنگی ملی و محلیاست، به یک مقوله جهانی تبدیل می‌شود که این تبدیل خود محصول حضور در کلاسهای چند فرهنگی است. (عالی، ۱۳۸۹)

پیامدهای چالش انگیز جهانی شدن تعلیم و تربیت

برخی از چالش های جهانی شدن عبارتند از :

- ۱- مسئولیت ها در حال تغییر و گسترش هستند .
 - ۲- مدیریت عمومی جای خود را به شبکه ای از مدیریت داده است .
 - ۳- اطلاعات از طریق مجاری غیر رسمی متعددی جریان پیدا می کند .
 - ۴- ابتکار عمل و خلاقیت بسیار مهم تر از اطلاعات است .
 - ۵- به واسطه گسترش بازارها در فراسوی مرزها ، استراتژی ها نیز پیچیده شده اند . (قاهری ، ۱۳۸۹)
- از نظر سجادی اهم پیامدهای چالش انگیز جهانی شدن تعلیم و تربیت عبارتند از :
- ۱- با ظهور رسانه های پیشرفته و تکنولوژی مدرن ، میزان کنترل مدارس بر آموخته ها و کیفیت و جهت گیریهای آموزش و تربیتی کاهش می یابد و مدارس رقبای جدیدی را شاهد خواهند بود .
 - ۲- تضعیف نظامهای آموزش محلی و ملی ، آن هم به خاطر حضور و غلبه کالاهای فرهنگی و تولیدات آموزشی نظامهای سلطه در کشورهای مختلف به سبب روند جهانی شدن تعلیم و تربیت .
 - ۳- تصویری شدن شیوه های ارسال اطلاعات و تضعیف شیوه های آموزشی مبتنی بر متنهای مکتوب و در نتیجه کاهش کنترل و هدایت نوع و کیفیت یادگیریهای مورد نظر نظام های ملی و محلی .
 - ۴- جایگاه ممتاز دانشگاهها به عنوان محل اختصاصی برای تصمیم گیری پیرامون چگونگی آموزش و تدوین محتوای درسی و سازماندهی رشته های تحصیلی ، تضعیف خواهد شد .
 - ۵- با توجه به اینکه هر جامعه ای حدود معنایی و هویتی را برای نظامهای آموزشی خود تعریف می کند . ظهور



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



نهضت جهانی شدن دگرگونی‌هایی را در نظام‌های واحد خاص (محلی یا ملی) و ترتیبات سنتی - ملی دولتها و جوامع پدید می‌آورد.

۶- کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت.

۷- هدایت نظام‌های آموزشی به سمت تامین نیازهای بازار آزاد در جهت سودآوری بیشتر و دامن زدن به قاعده مصرف‌گرایی

۸- تبدیل نظام‌های آموزشی به صورت مراکزی در جهت تامین نیروی کار مناسب برای شرکتهای فراملیتی و اقتصاد سرمایه داری و القا نگرش سودمدارانه در مورد تعلیم و تربیت.

۹- تغییر جهت گیریهای برنامه تربیتی از حالت بلند مدت به کوتاه مدت.

۱۰- به واسطه اجرای اهداف فرهنگی، نظام تربیتی فاقد خصیصه نظارت و داوری سیاسی و اخلاقی ملی و محلی خواهد شد.

۱۱- القا ضرورت پذیرش آموزش زبان واحد در بطن برنامه های آموزشی و تبدیل زبان انگلیسی به زبان جهانی و جهانی شدن ملاک ارزیابی اعتبار مدارک آموزشی و تحصیلی، بدون در نظر گرفتن معیارها و ملاک های محلی و ملی در تعریف و تنظیم محتوای آموزشی

۱۲- با ظهور نهضت جهانی شدن زمینه برخورد بین فرهنگ ها و تمدن‌ها پدیدار می‌گردد که بیشترین تاثیر را روی برنامه های آموزش و پرورش دارد.

۱۳- کاهش میزان اختیار تصمیم گیری‌های آموزشی محلی و ملی در نتیجه بی توجهی به اقتضائات اخلاقی، ایدئولوژیک، دینی و علمی مورد توجه نظام‌های آموزشی ملی و محلی. (سجادی، ۱۳۸۲)

رویکرد آموزش و پرورش در برابر چالش های جهانی شدن

به نظر عطاران: "آموزش و پرورش در کشورهایی که در معرض جهانی شدن و تحولات پدیدآمده از فناوری اطلاعات هستند باید رویکردهای زیر را برگزینند:

۱) تاکید بر جامعیت آموزش و پرورش: آموزش و پرورش باید تمامی زندگی آدمی را دربرگیرد. در جهانی که فناوری در آن شتابان تغییر می‌کند و دانش به نحو روزافزون تولید می‌شود، آموزش و پرورش باید به بسط و شکوفایی قابلیت‌های آدمی بپردازد.

۲) دسترسی فراگیر به آموزش و پرورش: آموزش و پرورش باید در هر مکان و زمان در دسترس باشد و مربیان برای آموزش در معرض باشند. باید به یادگیری مداوم (از طریق اینترنت و تلویزیون و کلاس درس) دسترسی داشته باشد.



۳) تاکید بر تفکر نقاد: آموزش و پرورش باید تاکید خود را بر تفکر نقاد، ارتباط و حل مسئله معطوف سازد و صرفاً به انتقال دانش و معرفت بسنده نکند؛ بلکه دانش آموزان را مهیای برخورد با مسائل جدید کند.

۴) تربیت شهروند جهانی: آموزش و پرورش باید مهیای پرورش شهروند جهانی باشد؛ شهروندان آینده نه تنها باید از تاریخ، فرهنگ و زبان خویش آگاه باشند، بلکه برای کار در جامعه جهانی، نیازمند دانش وسیع درباره تنوع فرهنگ ها و مردم هستند.

۵) تمرکز بر مفاهیم انتزاعی: برخی از چالش های دانش، تعلیم و تربیت و یادگیری در این دوره، توانایی فراگیران امروز برای آشنایی و کنارآمدن بیشتر با مفاهیم انتزاعی و موقعیتهای نامعین است. امروزه بیشتر محیط دانشگاهی، دانش آموزان را با مسائل مهیا مواجه می کنند، آنگاه حل آن مسائل را از ایشان می خواهند. واقعیت اقتصاد جهانی (مبتنی بر اطلاعات و دانش) آن است که مسائل به ندرت به وضوح تعریف می شوند. این خصیصه آنهایی را که طالب شغل ارزشمند هستند، ملزم می کند که جستجوگر مسائل باشند، اطلاعات ضروری را گرد آورند و تصمیم ها و گزینه هایی را انتخاب کنند که مبتنی بر واقعیتهای نامعین پیچیده است. (عطاران، ۱۳۸۳: ۲۶)

۶) استفاده از رویکرد کل گرایانه (در مقابل رویکرد گسسته): بخش اعظم تعلیم و تربیت و محیط یادگیری امروز به رشته های علمی بسیار غیرقابل انعطاف تقسیم شده که بر واحدهای گسسته تحقیق تاکید دارد، مع الوصف جامعه، نیازمند درک کل گرایانه درباره نظامهای تفکر است. بدین سان رویکردهای تحقیق بین رشته ای امر خطیری در نظر گرفته می شوند تا بتوان به درک جامع تری از واقعیت پیچیده ای که اینک نظام جهانی با آن مواجه است، دست یافت.

۷) ارتقاء توانایی دانش آموزان برای دست ورزی نمادها: سمبل ها نمودهایی به شدت انتزاعی بخشی از صورت عینی واقعیت هستند. اشتغال به شدت مولد، مستلزم آن است که فراگیر دائماً با سمبل هایی مانند اصطلاحات سیاسی، حقوقی و تجاری سروکار داشته باشد. در گذشته کارگزاران آموزشگاهی اغلب خودشان را در مقام حکیمان خردمندی می دیدند که نقش شان انتقال داده ها، اطلاعات، دانش و حکمت به دانش آموزان است. فروشگاه معرفت جهان به صورت رو به تزایدی نرخ جهشی دارد و هیچ فردی به تنهایی امید آن را نمی تواند داشته باشد که به صورتی مناسب و ممکن فهم جامعی در باب یک رشته را با خود حمل کند. هدف تعلیم و تربیت به هیچ وجه صرفاً حمل مجموعه ای از دانش نیست بلکه مقصد آن آموزش چگونگی یادگیری حل مساله و ترکیب امر قدیم و جدید است

۸) تشویق دانش آموزان به کار در گروه: آموزش و پرورش باید به پرورش روحیه تعاون و همکاری اهتمام ورزد. کاردرگروه دانش آموزان را ملزم می کند که توانایی خود را در پویایی گروه و سازماندهی آن به کارگیرند و همچنین



مهارت های رهبری و مدیریت را بسط دهند . " (عطاران، ۱۳۸۳: ۲۷)

از نظر باقری برای آنکه بتوانیم در تعلیم و تربیت ، مواجهه ای مناسب با چالش های جهانی شدن داشته باشیم لازم است به نکات زیر توجه کنیم:

۱- توجه به انواع مختلف دانش و پرهیز از فروکاستن آنها به اطلاعات : مفهوم دانش را نباید به مجموعه ای از گزاره ها فروکاست که با درست / غلط سروکار دارند و یا تنها مضمون اطلاعاتی دارند . کار تعلیم و تربیت رشد توان دانش ورزی است ، به این معنا که توانایی مواجهه های متناسب با مسئله ها و موقعیت های مختلف ، در افراد رشد یابد .

۲- پرورش خیال ورزی یا خلاقیت : تعلیم و تربیت باید همت خود را معطوف آن سازد که به جای انتقال اطلاعات ، به سازماندهی های متفاوت اطلاعات و بلکه بالاتر از آن ، به ابداع ترکیب های نوین در مورد اطلاعات موجود روی آورد . این امر مستلزم پرورش خلاقیت به صورت شیوه های اجرایی در برنامه های درسی است .

۳- گسترش مطالعات بین رشته ای: جستجوی ارتباط های ممکن میان رشته های مختلف دانشگاهی یا دروس مختلف مدرسه ای ، افق های نوینی را برای اندیشیدن در عرصه دانش فراهم می آورد .

۴- مرتبط ساختن اجتماع های مجازی به اجتماع های واقعی : گشودن بایی برای ارتباط میان اجتماع های مجازی و واقعی که دانش آموزان در آنها مشارکت می جویند، فرصت مناسبی را برای گفتگو ، نقد و داوری جمعی در مورد ایده های مطرح شده در اجتماع های مجازی فراهم می آورد . برقراری ارتباط مانع از آن خواهد شد که هویت های انشقاق یافته و متعارضی در دانش آموزان شکل بگیرد . (باقری ، ۱۳۸۳)

صبوری خسرو شاهی در مورد آموزش در جامعه جهانی می گوید :

- ۱- آموزش باید بتواند افرادی متخصص متناسب با بازار کار تربیت کند .
- ۲- آموزش در جامعه جهانی برای تحول و توسعه جامعه می باشد بدین معنی که بتواند با آموزشهای فراگیر ، دقیق و صحیح و تربیت نیروهای متخصص و کارآمد در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه گام موثر برداشته و از طرفی نیز همین توسعه و تحول در جامعه منجر به رشد و دگرگونی آموزش و پرورش خواهد شد .
- ۳- دگرگونی های برنامه های آموزشی در جامعه جهانی با اهداف زیر دنبال می شود :
 - انطباق با ارزشهای ضروری جامعه برای تحول جامعه جهانی (اخلاقیات) .
 - دستیابی و تسلط بر دانش توسعه بشری ، وضع موجود و دستاوردهای لازم (دانش و معرفت) .
 - رسیدن به یک نگاه جهانی در خصوص اینکه انسانها چگونه یک نظام اجتماعی بزرگتر را شکل می دهند ، و چگونه این فرایند با همکاری یکدیگر تشویق و پیشرفت خواهد نمود (درک) .
 - نگاه موثر به آینده بشر و روشن ساختن اذهان بشری به اینکه چگونه او قادر است از طریق همکاری به



دستاوردهای بی نظیر و بی سابقه ای دست یابد (بینش).

- آموختن مهارت های همکاری و مدیریت اطلاعات ، و هدایت شدن به سمت دستیابی به مهارت های لازم برای توسعه بشری (مهارتها) . (صبوری خسرو شاهی و دیگران ، ۱۳۹۲)

نتیجه گیری

جهانی شدن یک فرایند اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که می خواهد یک نظام واحد از ارزش ها، معانی و فعالیت ها را در جنبه های مختلف در سطح جهانی به وجود آورد و نوعی انسجام در ابعاد مختلف از جمله تعلیم و تربیت به وجود آورد، به گونه ای که اهداف، برنامه ها، جهت گیری ها، شیوه ها و محتوای تعلیم و تربیت به سمت یک نظام واحد جهانی در زمینه تعلیم و تربیت حرکت نماید. البته این تحولات، باعث ضعیف شدن ساختارهای قبلی نظام های آموزشی و روبه رو شدن این نظام ها با چالش های جدید شده است. از جمله این چالش ها، تضعیف ساختارها، اهداف و محتوای نظام های آموزشی ملی و سوق دادن مرکزیت تصمیم گیری تربیتی و آموزشی به حالت جهانی و فراملی خواهد بود. این روند خود زمینه ساز برخی از نابسامانی های فرهنگی، هویتی، آموزشی و تربیتی برای جوامع مختلف است.

باید تلاش کرد از فرصت هایی که جهانی شدن پیش روی تعلیم و تربیت جوامع قرار می دهد، استفاده نموده و تدابیری جهت کاهش اثار منفی آن اندیشید، تا بتوان علاوه بر حفظ میراث های فرهنگی و سایر ویژگی های بومی، ویژگی های فردی را نیز در دانش آموزان رشد داده و هم زمان زمینه شناخت آنها را از جهان و سایر فرهنگ ها فراهم آورد. تنها از طریق بازنگری و بازسازی بنیادی تعلیم و تربیت می توان حضوری فعال و سازنده در جریان تحولات جهانی داشت. در بستر و زمینه ای که به سبب تاثیر تغییرات جهانی پدید آمده است، نقش تعلیم و تربیت دیگر نمی تواند به انتقال مجموعه ای ثابت از دانش ها محدود باشد، بلکه این نهاد باید نقشی فعال ایفا نماید. برای ایفای این نقش، تعلیم و تربیت باید به گونه ای باشد که بتواند برای پاسخ گویی به نیازهای متغیر جامعه و جهان، مهارت ها و ظرفیت های لازم را پرورش دهد. عطف توجه به آینده و نیازهای متحول آن، برخورد فعال و سازنده با نیازها و چالش های پیش رو را ایجاب می کند. بنابراین لازم است ضمن بهره گیری از تجارب گذشته و توجه به وضع موجود، برخورد فعال و موثر با شرایط متغیر آینده مدنظر قرارگیرد. به همین منظور موارد زیر پیشنهاد می شود :

- آگاهی دست اندرکاران آموزش و پرورش ، دانش آموزان و معلمان از پدیده جهانی شدن و پیامدهای مثبت و منفی آن .

- آشنایی با نقاط مشترک فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها و تمدن های مختلف از طریق آموزش و پرورش .



- اصلاح ساختار آموزش و پرورش از حالت ایستا به پویا (تربیت دانش آموزانی خلاق).
- بررسی نیازهای دانش آموزان و نیز بررسی روش های نوین یاددهی - یادگیری با توجه به چالش های و ضرورت های کنونی در ارتباط با پدیده جهانی شدن .
- کسب مهارت های علمی و تکنولوژیکی در سطح بین المللی و تولید فن اوری و اطلاعات به کشورهای دیگر .
- همکاری همه جانبه از سوی سازمان ها و وزارتخانه هایی چون علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت پست و تلگراف و مخابرات، و حتی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با آموزش و پرورش در خصوص استفاده از فناوری های نوین.
- تدوین و طراحی نظام درسی مبتنی بر شرایط نوین آینده و عصر شتاب در انتقال اطلاعات .
- ایجاد فرصت های آموزشی و کاهش شکاف دیجیتالی در کلیه مناطق کشور برای همراه کردن دانش آموزان با فرایندهای جهانی آموزش

Globalization (Planetization) Outcomes and its Effect on Educational system in Iran

Abbas shekari , Layla deghhan kashani

Abstract

Globalization is an approach all people from different cultures take in an increasingly developed way , due to the development in technology and communication , to know and share the common experiences they have had in various fields throughout their lives . since two decades ago , this has been changed to a controversial issue as it leads to several negative and positive social , economica and cultural effects on its all domains including education and educational system . The view of globalization , thus , provides opportunities and seeks challenges to preserve the cultural heritage and develop this system. The present study attempts to examine the outcomes of globalization , provide its short definition and study its concept as well as its all relevant aspects .

Key word : globalization , educational system, education , teaching – learning process

منابع

۱. افتخاری، اصغر؛ (۱۳۸۳) «بحرانهای فراگیر نظام آموزشی - تربیتی در عصر جهانی». مجموعه مقالات جهانی شدن: ، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. افروغ، عماد؛ (۱۳۸۷) . ما و جهانی شدن. چاپ اول ، تهران: سوره مهر.
۳. بابازاده، محمد؛ (۱۳۸۱) «جهانی شدن، موریانه ای به جان درآمد دولتها» مجله تدبیر اردیبهشت ماه ۸۱.
۴. باقری، خسرو؛ (۱۳۷۹)، «تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم»، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، ج ۳، قم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی .



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



۵. باقری، خسرو؛ (۱۳۸۳). «چالش های معرفت شناختی جهانی شدن برای تعلیم و تربیت». اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. جهاد دانشگاهی واحد تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
۶. براندا، واتسن؛ (۱۳۷۹). «تدریس مؤثر تربیت دینی». ترجمه و تلخیص بهرام محسن پور، مجموعه مقالات تربیت اسلامی شماره ۳، قم، مرکز تربیت اسلامی.
۷. بیات، عبدالرسول؛ (۱۳۸۶). فرهنگ واژه ها. چاپ سوم، قم: اندیشه و فرهنگ اسلام.
۸. بیات، محمد مراد؛ (۱۳۸۳) «جهانی شدن و ضرورت تعامل و گفتگوی فرهنگی» مجموعه مقالات جهانی شدن، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۹. حجازی، محمدحسن؛ (۱۳۸۲). جهانی شدن و دین. (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: روزنه
۱۰. خسروی، محبوبه؛ ابراهیمی، زهرا؛ (۱۳۸۳). «جهانی شدن و تعلیم و تربیت». اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. جهاد دانشگاهی واحد تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
۱۱. سجادی، سید مهدی؛ (۱۳۸۲). «جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت». مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اهواز، دوره ۳، سال دهم، شماره های ۳ و ۴، ص ۱۲۸-۱۱۳
۱۲. سرکارانی، محمدرضا؛ (۱۳۸۲). اصلاحات آموزشی و مدرن سازی (با تأکید بر مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن)، چاپ اول، تهران: روز نگار
۱۳. سلیمانی بشلی، محمد رضا؛ (۱۳۸۹). «جهانی شدن؛ بحران هویت و تضعیف تربیت دینی». فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و پژوهش های تربیتی، سال دوم، شماره دوم، ص ۱۰۹ - ۱۲۵
۱۴. شکاری، عباس؛ رحیمی، علی؛ (۱۳۸۶). پیدا/ و پنهان جهانی شدن. تهران: اندیشه نوین.
۱۵. صالحی امیری، سید رضا؛ حسین زادگان، زهره؛ (۱۳۸۹). «جهانی شدن فرهنگی و تاثیرات آن بر فرهنگ ایرانی». پژوهشنامه فرهنگ و جهانی شدن، ص ۴۷-۹
۱۶. صبوری خسروشاهی، حبیب؛ (۱۳۸۹). «آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالشها و راهبردهای مواجهه با آن». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۵۳-۱۹۶
۱۷. صبوری خسروشاهی، حبیب؛ کاوسی، اسماعیل؛ حقیقی محمدرضا؛ (۱۳۹۲). جهانی شدن و تحول در آموزش و پرورش. تهران: مشق شب.
۱۸. عالی، مرضیه؛ (۱۳۸۹). «تبیین چالشها و فرصت های جهانی سازی برای نظام تعلیم و تربیت ایران». برگرفته از سایت:
<http://www.migna.ir/khandaniha/amuzesh-va-parvareh/4125>
۱۹. عطاران، محمد؛ (۱۳۸۳). جهانی شدن، فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت. چاپ اول، تهران: موسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.



۲۰. قاهری، مرضیه؛ (۱۳۸۹) «جهانی شدن و تعلیم و تربیت» پژوهشنامه فرهنگ و جهانی شدن ۱، شماره ۵۷، ص ۹۸ - ۷۱ تهیه شده در معاونت پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی گروه پژوهشهای مدیریت، آموزش و منابع انسانی

۲۱. کرمی پور، محمد رضا؛ (۱۳۸۱). «آموزش متناسب با عصر اطلاعات». تکنولوژی آموزشی. فروردین.

۲۲. کومسا، ا.؛ (۱۳۷۸). «جهانی شدن و منطقه‌گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ش ۱۴۸ و ۱۴۷، آذر و دی.

۲۳. گل محمدی، احمد؛ (۱۳۸۶). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. چاپ سوم، تهران: نی.

۲۴. گل محمدی، یحیی؛ (۱۳۸۲). فرهنگ در عصر جهانی شدن (مجموعه مقالات). چاپ اول، تهران: روزنه.

۲۵. گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران: مرکز.

۲۶. لاودن، کنت سی (۱۳۸۰) فناوری اطلاعات، تهران: نشر کتاب.

1. نهاوندیان، محمد؛ (۱۳۸۳). ما و جهانی شدن. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات زندگی.

Brunner.j(2000).Globalization and the future of education.Santiago.Chile.

2. Coghburn.D(2003)Globalization,knowledge,education and training in the information age.London.

3. Ferreira, Antonio (2010) "Web-based and E-learning in global Education", polytechnic Institute of Movado and Higher school of Technology, Available at: <http://www.alt.ac.uk>

4. Hendrix.J(1998)Globalizing the curriculum.the clearinghouse.proquest education journals.london.

5. Hinchcliff, John (2000)Cross-Roads of the New Millennium. Proceedings of the Technological Education and National Development (TEND) Conference 2nd ,April 8-10, , Abu Dhabi, United Arab Emirates.

6. Young.T (2002) Interreligious and intercultural Dialouge In The Mediterian Area During a period of globalization, prospects.

7. Rizivi , fazal.(2000) Globalization and.Educational theory . vol 50